**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه278 – 28/ 10/ 1398 مفهوم ضرر/ مفاد حدیث لا ضرر / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره مفهوم ضرر بود. در جلسه گذشته کلام مرحوم روحانی و شهید صدر نقل شد. مرحوم روحانی، ضرر را در جایی که مقتضی نفع وجود داشته و مانع برای این مقتضی ایجاد شود نیز صادق دانسته اما لا ضرر را ناظر به ضرر به این معنا نمی داند. شهید صدر، ضرر را به دو قسم ضرر مطلق و ضرر مقید تقسیم کرده و لا ضرر را تنها ناظر ضرر مطلق دانسته است.

در این جلسه، کلام مرحوم امام نقل و بررسی می شود. ایشان بین معنای ضرر و ضرار تفکیک قائل شده و بیان می کند: ضرر اختصاص به به نقص مالی و بدنی داشته و ضرار مختص به تضییق و حرج است.

بحث درباره مفهوم ضرر و ضرار بود. آقای سیستانی در پایان بحث ضرر، مطلبی را نقل کرده و در آن مناشته می کنند که ما آن را در بحث ضرار مطرح خواهیم کرد.

## اختصاص ضرر به نقص مالی و بدنی و ضرار به تضییق

آقای سیستانی در ادامه، ضرر را به معنای نقص دانسته و می فرماید:

هذا و قد يفصل في المقام فيقال: إن معنى المادة في المجرد و في باب الافعال أي في لفظ الضرر و الإضرار و تصاريفهما، هو النقص في الأموال و الأنفس كما هي أيضا مورد مقابله أي النفع فلا يطلق الضرر و الإضرار في موارد التضييق على الشخص و إحراجه بسلب حقه و إيذائه و نحو ذلك كما يشهد به العرف، و أما في باب المفاعلة كالضرار و المضارة فهو عكس ذلك، فإنه يستعمل في التضييق على الشخص و إيقاعه في الحرج و المشقة دون النقص، كما يظهر ذلك بملاحظة الموارد التي استعمل فيها هذا الباب في القرآن الكريم و الأحاديث الشريفة،..[[1]](#footnote-1)

ایشان شواهدی را بر این تفصیل ارائه داده و در مقام پاسخ می فرماید: ملاحظه موارد استعمالات ضرر و اضرار شاهد بر بطلان این تفصیل است زیرا هم ضرر در موارد ایجاد تضییق و حرج به کار رفته و هم ضرار در موارد نقص استعمال دارد. ایشان در ادامه مثال هایی را برای این مطلب بیان کرده است.

## کلام مرحوم امام

به نظر می رسد عبارت آقای سیستانی ناظر به کلام مرحوم امام است. اگر ناظر به کلام مرحوم امام باشد، کلام ایشان درست منتقل نشده است. مرحوم امام دو نکته بیان کرده و برای هر دو به استعمالات استشهاد کرده است.

### نکته اول: عدم استعمال ضرر در نقص آبرویی

نکته اول ایشان این است که ضرر در هتک حیثیت و مانند آن استعمال نشده و نقص در عرض، ضرر نیست. این نکته به بحث حاضر ارتباطی نداشته و بسیاری از مثال های مذکور در کلام مرحوم امام ناظر به این نکته است. استعمال ضرر در قضیه سمره نیز به معنای ضیق و حرج است نه هتک حرمت. «أي هاتكاً للحرمة بدخوله منزل الأنصاري و نظره إلى أهله‏»[[2]](#footnote-2)

### نکته دوم: غلبه استعمال ضرر در نقص مالی و نفسی و استعمال ضرار در تضییق

نکته دوم ایشان درباره فرق بین ضرر و اضرار است و در این باره می فرمایند:

ثم اعلم ان غالب استعمالات الضرر و الضر و الإضرار و سائر تصاريفهما هي في الضرر المالي و النفسيّ بخلاف الضرار و تصاريفه، فان استعمالها في التضييق و إيصال الحرج و المكروه و الكلفة شائع بل الظاهر غلبته فيها، و الظاهر ان غالب استعمال هذا الباب في القرآن الكريم انما يكون بهذه المعاني لا بمعنى الضرر المالي أو النفسيّ[[3]](#footnote-3)

ایشان در ادامه چند آیه قرآن را شاهد بر این فرق دانسته است.

کلام مرحوم امام این نیست که ضرر در تمام موارد به معنای نقص مالی است بلکه غالب استعمالات را در ضرر مالی و نفسی دانسته است. ایشان درباره ضرار ابتدا شیوع استعمال ضرار در ایصال حرج را ادعا کرده و پس از آن ادعای غلبه می کند. با توجه به این بیان، صرف نقل برخی از استعمالات بر خلاف و موارد نقض، موجب از بین رفتن شیوع و غلبه نمی شود.

البته مرحوم امام از این غلبه نتیجه گیری کرده در حالی که این نتیجه نیازمند بحث است. ایشان می فرماید:

فاتضح مما ذكرنا ان الضرر في الحديث هو النقص في الأموال و الأنفس و الضرار فيه هو التضييق و التشديد و إيصال المكروه و الحرج،[[4]](#footnote-4)

ایشان غلبه در معنا را موجب حمل ضرر و ضرار بر همین معنای غالب دانسته است. تفریع این نتیجه بر مباحث قبل روشن نبوده و باید برای فهم نحوه تفریع، تأمل کرد. آیا صرف تفاوت معنای ضرر و ضرار که از عطف فهیمده می شود، باعث حمل ضرر و ضرار بر این معناست؟ شاید همان گونه که آقای سیستانی بیان کرده، ضرر به معنای تضرّر بوده و ضرار به معنای اضرار باشد.

غلبه استعمال نهایت موجب ظن شده و این ظن اعتباری ندارد. از سویی دیگر، غلبه استعمال ضرر در ضرر رساندن نبوده و هر چند مفاد نقص در ضرر وجود دارد امّا اختصاص به وارد کردن نقص نداشته و می تواند به معنای نقص دیدن باشد. آقای سیستانی نیز به همین صورت ضرر را معنا کرده و ماحصل معنای ایشان از لا ضرر و لا ضرار، لا تضرّر و لا اضرار است. پس لازم نیست به علت تفاوت معنای ضرر و ضرار، ضرر را به وارد کردن نقص مالی و بدنی تفسیر کرده و اضرار را به تضییق و تشدید معنا کنیم.

#### امثله مرحوم امام

مرحوم امام مثال هایی بیان کرده که باید برای طرف مقابل ارائه شود. ایشان برای تفسیر ضرر به ایجاد تضییق به این آیه اشاره کرده است:

و لا يبعد ان يكون المضارة في قوله تعالى وَ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ هي عدم إسكانهن في بيوت مناسبة لحالها ليقعن في المضيقة و هو أيضا يرجع إلى ما ذكرنا .... المقصود من التطويل الممل هو إثبات شيوع استعمال الضرار و تصاريفه في التضييق و إيصال المكروه و الحرج و التكلف و أمثالها...[[5]](#footnote-5)

همانگونه که روشن است، تفریع لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ شاهد بر این است که لا تُضآرُّوهُنَّ در آیه شریفه « َ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» به معنای تضییق نیست. آقای سیستانی به این آیه استشهاد کرده بود که ضرر به معنای ضیق نیست.

 هر چند در جلسات گذشته با توجیهاتی، امکان معنای کردن ضرر در آیه به تضییق را محتمل دانستیم اما این توجیه تنها در حد احتمال بوده و احتمال صحیحی نیست. بیان کردیم: احتمال دارد معنای آیه این باشد که هدف از تضییق بر زن، صرف تضییق نباشد. مانند این که خدا را دوست دارم چون دوست داشتنی است. آیه نیز می تواند به این معنا باشد که مرد بر زن تضییق کرده چون تضییق مطلوب او بوده و هدف دیگری نداشته است. اما همانگونه که روشن است این معنا خلاف ظاهر بوده و معنای ابتدایی آن مخالفت معنای ضرر با تضییق است.

#### امثله آقای سیستانی

آقای سیستانی مثال هایی را برای نفی کلام مرحوم امام و اثبات استعمال ضرر در موارد ایجاد تضییق بیان کرده است.

##### مثال اول: آیه شریفه لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلاَّ أَذى

اولین مثال این است: لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلاَّ أَذى‏[[6]](#footnote-6) در آیه ضرر به معنای تضییق به کار رفته نه به معنای نقص در مال یا نفس به این تقریب که ایذاء مصداق ضرر شمرده شده در حالی که ایذاء ضرر مالی و نفسی نبوده و ایجاد حرج و سختی برای دیگران است پس معنای ضرر اعم است.

###### متصل یا منقطع بودن استثناء در آیه شریفه

درباره این آیه شریفه بحثی قدیمی وجود دارد که آیا استثناء در این آیه متصل است یا منقطع؟

تا قبل از سید رضی کسی صریحا استثنای در آیه را متصل دانسته باشد. تا حد مراجعه بنده، برخی از قدما به این بحث نپرداخته و برخی به صراحت، استثنا را منقطع دانسته اند که عبارت آنها را از المعجم فی فقه لغه القرآن تحقیق گروه قرآن بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی نقل می کنم. در این کتاب ذیل ماده اذی عباراتی را از قدما نقل کرده است. در ج 2، ص: 19 ستون اول از فراء نقل می کند: قال الفراء: هو استثناء منقطع، و التقدير: لن يضروكم لكن أذى باللسان‏ بسیاری از قدما الا در استثنای منقطع را به معنای لکن می دانستند نه به صورت استثنای حقیقی. در ادامه بیان شده: و مثله الزجاج.

در معانی القرآن اخفش ج1، ص: 417 آمده است: و قال لن يضرّوكم إلّا أذى استثناء يخرج من أول الكلام. و هو كما روى يونس عن بعض العرب أنه قال: «ما أشتكي شيئا إلّا خيرا».

و مثله لّا يذوقون فيها بردا و لا شرابا إلّا حميما و غسّاقا [النبأ: 24- 25].

و قال ضربت عليهم الذّلّة أين ما ثقفوا إلّا بحبل مّن اللّه [الآية 112] فهذا مثل لن يضرّوكم إلّا أذى [الآية 111] استثناء خارج من أول الكلام في معنى «لكنّ» و ليس بأشد من قوله لّا يسمعون فيها لغوا إلّا سلما [مريم: الآية 62].

یخرج من اول الکلام به معنای منقطع بودن است بدین صورت که ابتدا خارج از کلام بوده است. سید رضی نقل کرده: استثناء منقطع عن اول الکلام. اخفش در ادامه مثال هایی از آیات که استثناء در آنها منقطع است را بیان کرده است.

طبری می نویسد: و هذا من الاستثناء المنقطع، الذي‏ هو مخالف‏ معنى‏ ما قبله، كما قيل ما اشتكى شيئا إلا خيرا،[[7]](#footnote-7)

در کتاب حقائق التأویل سید رضی بحث مفصلی درباره آیه وجود داشته و آمده است:

و من سأل عن معنى قوله تعالى: «لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذىً» الآية- 111، فقال: قد علمنا أن كل اذى ضرر، فكان تقدير الكلام لن يضروكم إلا ضررا، و هذا غير مستقيم و لا منتظم، بل هو متناقض متغاير![[8]](#footnote-8)

ایشان این اشکال را مطرح کرده که هر اذیتی ضرر است و استثنای آن از ضرر صحیح نیست. ایشان در پاسخ به این اشکال چند پاسخ را مطرح کرده که پاسخ پنجم این است:

و قال بعضهم: «قوله تعالى: «إِلَّا أَذىً» استثناء منقطع عن اول الكلام، كقولهم: ما اشتكى شيئا إلّا خيرا». و الى هذا ذهب ابو القاسم البلخى و بعض المفسرين. و قد دفع هذا القول المحققون من العلماء، و قالوا: ليس ذلك باستثناء منقطع، لأن حمله‏ على الاستثناء الصحيح ممكن، فلا يجوز حمله على الاستثناء المنقطع ...

مرحوم شیخ طوسی در تبیان این مطلب را از بلخی و طبری نقل کرده و می نویسد: و قال البلخي، و الطبري الاستثناء منقطع هاهنا، لأن الأذى ليس من الضرر في شي‏ء،[[9]](#footnote-9)

خلاصه عبارت حقائق التأویل در التبیان وارد شده و احتمال دارد از منبع مشترکی اخذ کرده باشند. ظاهر عبارت سید رضی نقل عبارت از علمای قبل است. شنیدم عمده مطالب تبیان برگرفته از تفسیر مصابیح وزیر مغربی است. این تفسیر چاپ نشده و گویا نسخه ای از آن در کتابخانه آقای سبحانی موجود است که ایشان مقاله ای درباره مؤلف این تفسیر نوشته است. آقای مرتضی کریمی در صدد تصحیح این کتاب بوده و در مقاله ای می نویسد: تفسیر تبیان خیلی از مواقع برگرفته از تفسیر مصابیح است . اما مثال هایی که ایشان برای این ادعا بیان کرده، روشن نبوده و باید به خود تفسیر مصباح رجوع کرد.

در این که شیخ طوسی کتاب وزیر مغربی را در اختیار داشته، شکی نبوده و در بسیاری از موارد تصریح به اخذ از کتاب وزیر مغربی کرده است. وزیر مغربی نوه دختری نعمانی است و بنده به تناسب نعمانی، در مقاله ای که درباره نعمانی نوشته ام، تمام مواردی که شیخ طوسی در تبیان از وزیر مغربی را نقل کرده، جمع آوری کردم که با تعبیر حسین بن علی مغربی حدود 50 نقل دارد. البته مدعای آقای کریمی این است که شیرازه اصلی کتاب التبیان، مصابیح وزیر مغربی است.

احتمال دارد المحققون من العلماء که سید رضی نقل کرده، وزیر مغربی بوده و عبارت شیخ طوسی در تبیان نیز چکیده آن باشد.

مرحوم شیخ طوسی می نویسد:

و قال البلخي، و الطبري الاستثناء منقطع هاهنا، لأن الأذى ليس من الضرر في شي‏ء، و هذا ليس بصحيح، لأنه إذا أمكن حمله على الاستثناء الحقيقي لم يجز حمله على المنقطع. و المعنى في الآية لن يضروكم إلا ضرراً يسيراً، فالأذى وقع موقع المصدر الأول. و إذا كان الأذى ضرراً فالاستثناء متصل...

موقع المصدر الاول به معنای مفعول مطلق بودن است و ایشان توضیح می دهد: این آیه با مثال ما اشتکی الا خیرا و مانند آن متفاوت است زیرا در مورد بحث، مسثنی در مستثنی منه داخل بوده و نمی تواند منقطع باشد.

فخر رازی شبیه عبارت شیخ طوسی داشته و روشن است ایشان این عبارات را یا در التبیان یا در منبع اصلی دیده است. اما بعید به نظر می رسید فخر رازی از مصابیح وزیر مغربی اخذ کرده باشد. ایشان می نویسد:

و من الناس من قال: إن قوله‏ إِلَّا أَذىً‏ استثناء منقطع و هو بعيد، لأن كل الوجوه المذكورة يوجب وقوع الغم في قلوب المسلمين و الغم‏ ضرر،[[10]](#footnote-10)

باید دقت داشت: گاه مفهوم ضرر روشن است که مثلا درباره موارد غم و آزاری لسانی صدق می کند و به همین دلیل استثناء متصل است، این سخن می تواند صحیح باشد. اما آیا به ظهور آیه در استثنای متصل بودن می توان تمسک کرده و گفت: ضرر شامل آزار لسانی می شود؟ در جلسه آینده در این باره بحث خواهیم کرد.

1. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 113 [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاصول، السید روح الله الموسوی الخمینی (سبحانی)، ج3، ص489.](http://lib.eshia.ir/27915/3/489/%D9%87%D8%A7%D8%AA%DA%A9%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (الرسائل للإمام الخميني)؛ ج‌1، ص: 30 [↑](#footnote-ref-3)
4. القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (الرسائل للإمام الخميني)؛ ج‌1، ص: 32 [↑](#footnote-ref-4)
5. القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (الرسائل للإمام الخميني)؛ ج‌1، ص: 32 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره آل عمران، آيه 111. [↑](#footnote-ref-6)
7. جامع البيان فى تفسير القرآن ج‏4 31 [↑](#footnote-ref-7)
8. حقائق التأويل في متشابه التنزيل، النص، ص: 225 [↑](#footnote-ref-8)
9. التبيان فى تفسير القرآن ج‏2 559 [↑](#footnote-ref-9)
10. مفاتيح الغيب ج‏8 327 [↑](#footnote-ref-10)